

## عرصه‌های مشترک قرآن و علم روان‌شناسی\*

محمد کاویانی\*\* و محمدحسین زمانی\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش عبارت است از ارائه نمونه‌هایی از مفاهیم روان‌شناختی از قرآن کریم و نشان دادن بعضی از تفاوت‌های اساسی، بین روان‌شناسی معاصر و روان‌شناسی قرآنی؛ پرسش اصلی پژوهش این است که آیا می‌شود این تفاوت‌ها را در قالب چند مثال توضیح داد؟ این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، به توصیف و تحلیل بعضی از آیات روان‌شناختی قرآن می‌پردازد. در این پژوهش پس از بیان مبانی و قواعد روان‌شناسی قرآنی به ذکر مزایا و آسیب‌های این طیف از پژوهش‌ها می‌پردازد؛ در پایان نیز به چهار مصداق از مفاهیم روان‌شناختی قرآن اشاره می‌شود. بعضی از دستاوردهای این پژوهش عبارت است از:

۱. «قرآن کریم» از آنجا که از طرف خالق انسان آمده و دستور العمل زندگی انسان است، منطبق بر ویژگی‌های فطری و روان‌شناختی بشر، حاوی نکات روان‌شناختی بسیاری نیز هست؛
۲. تفاوت بین «روان‌شناسی معاصر» و «روان‌شناسی قرآنی»، در یک سطح، تفاوت پارادایمیک است، نه تفاوت در بعضی از مسائل و موضوعات؛
۳. بخشی از این تفاوت پارادایمی را می‌توان در تفاوت مبانی، تفاوت اهداف کاربردی، تفاوت رویکرد به دنیا و آخرت، تفاوت رویکرد به زندگی مادی و معنوی و... جست‌وجو کرد؛
۴. در این پژوهش، از باب مثال، به چند نمونه از قواعد روان‌شناختی قرآنی اشاره شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، روان‌شناسی، روان‌شناسی قرآنی، علم دینی، تفاوت پارادایمیک.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۱۸.

\*\* . دانشیار روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: m\_kavyani@rihu.ac.ir

\*\*\* . دانشجوی دکتری گروه قرآن و علوم دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول): biabengar@chmail.ir

## مقدمه

یکی از شگفتی‌های قرآن کریم، ظرفیت محتوایی آن است که با مرور زمان لایه‌های پنهان آن آشکار می‌شود. ظهور علوم و دانش‌های نو، نه تنها از رونق قرآن نکاسته‌اند، بلکه موجب جذابیت بیش از پیش قرآن برای بشریت شده‌اند. یکی از این دانش‌های نوظهور، روان‌شناسی است. آنچه دنیای غرب در قالب روان‌شناسی، با روش‌های اثبات‌گرایانه در صدد کشف و آزمایش آن است، در پارادیم اسلامی با تعمیم روشی، به صورت چند جانبه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، روان‌شناسی معاصر فقط از یک زاویه به فیلی که در تاریکی قرار گرفته است نگاه می‌کند و همان یک زاویه را می‌کاود و نتایجی را به دست می‌آورد؛ اما پارادیم اسلامی به واسطه معرفت‌شناسی چند بعدی و روش‌شناسی ترکیب که در اختیار دارد، از زوایای مختلف آن را می‌کاود و با جمع بندی یافته‌هایی که از زوایای مختلف به دست می‌آورد، به یک تصویر جامع از آن فیل دست می‌یابد و به عبارت دیگر، می‌تواند نگاهی کامل‌تر به انسان و رفتارها و تجلیات روانی انسان داشته باشد. به عنوان نمونه، اگر امروزه در روان‌شناسی اجتماعی بر مفهوم «حفظ حرمت خود» برای تقویت شخصیت انسان تاکید می‌شود (سالاری فر، آشنایی با روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۱۲۵)، قرآن کریم اهمیت حفظ آبروی انسان را هم‌تراز حفظ جان انسان دانسته است و نگاه ارزشی را در کنار نگاه توصیفی مورد توجه ویژه قرار داده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰)؛ «ما به حقیقت، فرزندان آدم را بسیار گرامی داشته‌ایم، و بر و آنها را در خشکی و دریا مسلط گردانیده‌ایم، و از انواع روزی‌های پاک نصیبشان کرده‌ایم، و بر سایر مخلوقات خود برتری داده‌ایم»؛ در اینجا لازم است که به دو نکته مقدمی توجه کنیم:

**نکته اول -** درست است که Psyche به معنای روان است، اما «روان» در بافت معنا شناختی روان‌شناسی معاصر، و بافت معناشناختی قرآنی کریم متفاوت است. مسلمانان به «روح مجرد» باور دارند و «رفتار و تجلیات روانی انسان» را در مقیاس «روح مجرد» بررسی می‌کنند؛ بنابر این، توان تحلیل و بررسی روان‌شناسان مسلمان نسبت به رفتارهای انسان، بسیار گسترده‌تر است؛ اما روان‌شناسان معاصر، به چیزی به نام «روح مجرد» کاری ندارند و فقط به «روان» می‌پردازند که صرفاً «تظاهرات فیزیولوژیکی نفس در حیطه جسم» را بررسی می‌کند

(ویس کرمی، بررسی تطبیقی در قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۶۲). در اندیشه اسلامی انسان دارای دو بُعد است. بعد اول جسم و بُعد دوم روح است. بُعد دوم، خود دارای مراتب، اجزاء، قوا، و مباحث ویژه‌ای است که بخش کوچکی از آن، «ذهن» نامیده شده است که وظایف خاصی را برعهده دارد. روان‌شناسان معاصر، در مورد بُعد دوم، فقط آن بخش کوچک از روح که ذهن باشد، مورد بررسی قرار می‌دهند؛ و مراتب بالاتر از آن را که عبارت است از روح مجرد کاری ندارند (حقانی زنجانی، روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۷۸: ۵۴). به همین دلیل وقتی روان‌شناسان معاصر می‌گویند «روان‌شناسی»، ما در ترجمه باید آن را به «رفتارشناسی» یا «ذهن‌شناسی» ترجمه کنیم.

**نکته دوم - حقیقت هر علم، تعریف، هدف و موضوع آن علم است.** با دقت نظر در موضوعات دانش روان‌شناسی معاصر، چنین به دست می‌آید که هدف از این دانش در مکاتب مختلف متفاوت می‌شود، به عنوان مثال، شناخت گراها، شناخت ذهن انسان‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن را اصل می‌دانند و اگر از رفتار انسان سخن به میان می‌آید به این دلیل است که رفتار یک فرد، نشان دهنده ذهنیات آن فرد است. بنابراین می‌توان گفت از نگاه علم روان‌شناسی شناختی، رفتار، تنها یک ابزار برای کشف کنش‌ها و واکنش‌های ذهن است؛ بنابراین، برای روان‌شناسی شناختی، رفتار موضوعیت ندارد و آنچه موضوعیت دارد ذهن انسان و تصمیمات اوست و بررسی رفتار انسان نیز برای پی بردن به کنش‌های ذهن است. ویلیام جیمز (۱۹۱۰م)، پیشگام روان‌شناسی کارکردگرایی، نیز در تعریف روان‌شناسی می‌گوید: «روان‌شناسی علم زندگی ذهنی است» (لان‌دین، نظریه‌های روان‌شناسی، ۱۳۷۸: ۹۵).

پس از ذکر این دو نکته، معرفی اولیه‌ای از «روان‌شناسی قرآنی» در سطح غیر پارادایمک را این‌گونه ارائه می‌دهیم: «روان‌شناسی قرآنی» در انطباق با پارادایم جاری روان‌شناسی، عبارت است از شناخت ویژگی‌های ذهن انسان به منظور شناسایی، اصلاح و هدایت انسان به سوی رستگاری. قسمت اول از این معرفی که «شناخت ویژگی‌های ذهن انسان» است، اشاره به موضوع روان‌شناسی دارد بنابراین روان‌شناسی مستقیماً کاری به روح ندارد، بلکه با ذهن که یک مرتبه پایینی از روح است کار دارد. قسمت دوم این تعریف که «به منظور اصلاح و هدایت انسان به سوی رستگاری» می‌باشد نیز اشاره به هدف این دانش دارد.

## پیشینه

روان‌شناسی دارای دو دوره تاریخی است؛ دوره عقلی و دوره تجربی. دوره نخست مربوط می‌شود به زمان فلاسفه یونان قدیم که تنها با دید عقلی به نفس می‌نگریستند. «آناکساگورس» نخستین کسی بود که انسان را به دو بعد مادی و روحانی تقسیم نمود. سپس سقراط (۳۹۹ ق م) و افلاطون (۳۴۷ ق م) نیز با تایید این دیدگاه، مدعی اصالت روح و فرع بودن بدن شدند. ارسطو (۳۲۲ ق م) نیز در کتابی با نام «درباره نفس» به بررسی مستقل نفس پرداخت. وی در کتاب «درباره نفس» به کمک حواس پنج‌گانه ظاهری، پا را از «روان‌شناسی عقلی» فراتر گذاشته و وارد مقدمات مبحث «روان‌شناسی تجربی» گشت (سالاری فر، آشنایی با روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۲۰). بعدها ابن سینا (۴۲۸ ق) با بررسی کنش‌های مغز و اعصاب به روان‌شناسی بالینی توجه نمود. هم‌چنین غزالی (۵۰۵ ق) نیز در مطالعات خویش پیرامون روان انسان، به روش تجربی نیز توجه نمود (همان، ۲۱).

در قرن شانزدهم میلادی اصطلاح Psychology که در فارسی به روان‌شناسی ترجمه شده است، برای نخستین بار توسط یک معلم و منطق‌دان آلمانی به نام «رودلف گروکلینوس» (Rodolphe Groclenius) ابداع گردید (ویس کرمی، بررسی تطبیقی آرامش‌روانی در قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۲۶). در سال ۱۸۷۹م نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی در دانشگاه لایپزیک آلمان توسط فردی به نام «وونت» (Wilhelm Wundt) تأسیس شد. هم‌چنین وی نخستین نشریه علمی روان‌شناسی را راه اندازی و اولین کتاب درسی روان‌شناسی فیزیولوژیک را نگاشت (سالاری فر، آشنایی با روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۲۱). تمرکز دانشمندان در یک علم خاص، اگر چه موجب عمق علمی آنان، در آن دانش می‌گردد، ولی در نهایت منجر به بیگانگی و بی‌اطلاعی آنان از سایر علوم می‌گردد. علوم میان‌رشته‌ای برای جبران این نقیصه، پا به عرصه وجود نهادند. این علوم با پیوند دو علم به یکدیگر، موجب اتصال دو حوزه علمی متفاوت به منظور دستیابی به نتایج تازه‌تر شدند. پژوهشگران قرآنی نیز با کاشت نهال «علوم میان‌رشته‌ای» قدم شایسته‌ای در این مسیر برداشته‌اند. یکی از شاخه‌ها و گرایش‌های این تلاش، عبارت است از «قرآن و روان‌شناسی». هر چند در عصر حاضر تک‌نگاری‌ها و مقالات متعددی پیرامون «قرآن و روان‌شناسی» به رشته تحریر درآمده است، ولی هنوز در ابتدای راه هستیم و عرصه گسترده‌ای برای پیشرفت این دانش وجود دارد. مطالعات قرآنی - روان‌شناختی،

هم در کشورهای غربی و عربی، هم در جمهوری اسلامی ایران فراوان‌تر از آن است که بشود، آن را در اینجا شمارش کامل کرد؛ لکن برخی از مهم‌ترین آثار در زمینه «قرآن و روان‌شناسی» را به شرح زیر اشاره می‌کنیم: ۱. عثمان نجاتی، محمد، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب؛ ۲. حسینی کوهساری، اسحاق، نگاهی قرآنی به فشار روانی؛ ۳. صادقیان، احمد، قرآن و بهداشت روان؛ ۴. کاویانی، محمد، روان‌شناسی در قرآن، مفاهیم و آموزه‌ها؛ ۵. کاویانی، محمد، روان‌شناسی در قرآن، بنیان‌ها و کاربردها؛ ۶. سلطانی، مهدی، مقاله دست‌یابی به آرامش روانی در آینه قرآن کریم؛ ۷. ابراهیمی، ابراهیم، مقاله سلامت و رنجوری روان از منظر قرآن کریم؛ ۸. آقای زاده ترابی، احمد و علی نصیری، مقاله مقدمه‌ای بر تحقیق در مناسبات دین و روان از منظر قرآن؛ ۹. حقانی زنجانی، حسین، مقاله روان‌شناسی اسلامی (۱۰) / حقانی زنجانی، حسین، فوائد روان‌شناسی از دیدگاه قرآن؛ ۱۰. حقانی زنجانی، حسین، مقاله روان‌شناسی اسلامی (۸) / تفاوت دیدگاه روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی جدید کلاسیکی؛ ۱۱. نامور، هومن؛ ذهبی، فاطمه، مقاله گامی به سوی تحلیل محتوای آیات قرآن از منظر روان‌شناسی اجتماعی.

### بررسی وجود مفاهیم روان‌شناسی در قرآن کریم

یکی از پرسش‌های اساسی در بحث قرآن و روان‌شناسی این است که آیا اصلاً مفاهیم روان‌شناسی در قرآن وجود دارد یا خیر؟ این بحث مشتق از بحث «قرآن و علم» است. سه دیدگاه در این زمینه وجود دارند که عبارتند از: دیدگاه حداکثری، دیدگاه حداقلی و دیدگاه میانه.

**دیدگاه حداکثری** - طرفداران دیدگاه حداکثری معتقدند که تمامی علوم را می‌توان از قرآن کریم دریافت کرد (غزالی، جواهر القرآن، ۱۴۰۹: فصل چهارم). معروف‌ترین مدعی این دیدگاه را می‌توان غزالی (۵۰۵ ق) دانست. هم‌چنین طنطاوی جوهری (۱۳۵۸ ق) در «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» نیز همین دیدگاه را برگزیده است. بنابراین طبق این دیدگاه تمام دانش روان‌شناسی در قرآن کریم موجود است، هرچند هنوز همه آن کشف نشده است. مدعیان این دیدگاه برای اثبات نظرشان به آیات زیر استدلال می‌کنند: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ رِزْقِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبِيبٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (انعام/ ۵۹): «کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی

آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار [در کتاب علم خدا] ثبت است. «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل/ ۸۹)؛ «(به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». «وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام/ ۳۸)؛ «هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند».

**دیدگاه حداقلی -** طرف داران این دیدگاه بر خلاف دیدگاه حداکثری معتقدند که قرآن کریم فقط برای امور اخروی است و هیچ سخنی در مورد علوم تجربی نیآورده است. این دیدگاه پس از ظهور دیدگاه حداکثری و برای مقابله با آفات دیدگاه حداکثری به وجود آمد. شاخص‌ترین شخصیت این دیدگاه را می‌توان شاطبی (۷۹۰ق) دانست.

**دیدگاه میانه -** مدعیان این دیدگاه معتقدند که نه این چنین است که قرآن کریم شامل همه علوم باشد و نه این چنین است که در قرآن کریم هیچ علم دنیوی و مادی وجود نداشته باشد. آنان معتقدند که هرچند هدف از قرآن کریم، هدایت انسان‌ها به سوی سعادت اخروی است اما در این کتاب آسمانی در خلال آموزه‌های خود اشاراتی نیز به علوم مختلف داشته است. به عبارت دیگر قرآن کریم «کتاب علوم تجربی» نیست ولی «خالی از علوم تجربی» نیز نیست. شاهد بر این ادعا وجود آیات دال بر علم است که اکثر مفسران آن‌ها را پذیرفته‌اند.

به نظر می‌رسد که دو کلام در دو سطح می‌شود، در اینجا مطرح کرد:

الف) اگر بخواهیم راجع به «مفاهیم روان‌شناختی» موجود در قرآن سخن بگوییم، سخن این است که دیدگاه سوم (دیدگاه میانه) قابل پذیرش‌تر است. دیدگاه حداکثری صحیح نیست زیرا آیات «كُلُّ شَيْءٍ» و «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ» ظهورشان در همه چیز به صورت مطلق، تمام

نمی‌باشد. هم‌چنین دیدگاه حداقلی نیز با وجود آیات مرتبط با علوم، در قرآن کریم نقض می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه میانه به صواب نزدیک تر است.

ب) اگر بخواهیم در سطحی فراتر و در سطح پارادایمیک و فراتر از آن سخن بگوییم، باید بگوییم که «معتقد بودن به قرآن»، ما را به «یک دستگاه فکری و یک هندسه معرفتی اسلامی» می‌رساند که در آن «هندسه معرفتی»، روان‌شناسی هم متناسب با کل آن دستگاه، دیده می‌شود. به عبارت دیگر، کل آن هندسه معرفتی، به عنوان یک سیستم مفهومی جامع خواهد بود که «روان‌شناسی قرآنی» نیز به عنوان یک سیستم فرعی از آن محسوب می‌شود. بنابراین، در این دستگاه فکری، می‌شود روان‌شناسی قرآنی را به صورت کامل مورد ملاحظه قرار داد و برای رسیدن به آن «نقشه راه» ترسیم کرد. ما در این نوشتار، بیشتر به سطح اول نگاه می‌کنیم و مباحث را متناسب با سطح اول پیش می‌بریم.

### نسبت بین قرآن و روان‌شناسی

بین قرآن و روان‌شناسی در دو حوزه می‌توان تعیین نسبت کرد. نخست در حوزه «قلمرو قرآن و روان‌شناسی»؛ و دوم در حوزه «نسبت بین قرآن و روان‌شناسی» سخن می‌گوییم. برای «قلمرو قرآن و روان‌شناسی» چهار حالت قابل فرض است که عبارتند از: عموم خصوص مطلق، عموم خصوص من وجه، تساوی و تباین. هم‌چنین برای «رابطه قرآن و روان‌شناسی» نیز چهار نسبت قابل فرض است که عبارتند از: تناقض، تضاد، ترادف و تخالف. این دسته بندی چون بر اساس منطق به وجود آمده شامل تمام دیدگاه‌های مختلف می‌باشد حتی اگر دیدگاهی در آینده نیز ظهور کند، از این دسته بندی خارج نخواهد بود (مظفر، منطق مظفر، ۱۳۸۸: ۵۱).

دیدگاه مورد قبول این تحقیق، این است که «قلمرو قرآن و روان‌شناسی عموم خصوص من وجه است»؛ چرا که روان‌شناسی یک دانش گسترده است که تنها بخشی از آن در قرآن وجود دارد؛ از طرفی قرآن کریم نیز یک منبع غنی از داده‌ها و اطلاعات هدایتی است که تنها بخشی از آن در مورد روان‌شناسی سخن گفته است. بنابراین این دو منبع هم‌چون دو دایره هستند که تنها در بخشی کوچکی با یکدیگر وجه مشترک دارند. در مورد «نسبت قرآن و روان‌شناسی» نیز باید گفت نسبت این دو به یکدیگر، یک نسبت ثابت نیست، بلکه در هر یک از مسائل

روان‌شناسی متفاوت است بنابراین در برخی «تناقض»، در برخی «تضاد»، در برخی «ترادف» و در برخی «تخالف» است. لازم به ذکر است که روان‌شناسی معاصر یک دانشی است که بر اساس فرهنگ غرب و به منظور حلّ مسائل جوامع غربی شکل گرفته است و چون پایه‌هایش بر مبانی ای هم‌چون «اومانیزم»، «پلورالیسم» و «سوبجکتیویسم» و... بنا شده است در بسیاری از مسائل با قرآن کریم تعارض دارد.

### مبانی روان‌شناسی قرآنی

دیدگاه‌های روان‌شناختی قرآن کریم دارای برخی مبانی هست که بعضی از آن به شرح ذیل است:

#### مبنای یکم - قرآن کریم حجیت معرفت شناختی دارد

مسلمانان معتقدند که قرآن کریم، موثق‌ترین منشور هدایت، برای تمام تاریخ بشریت است؛ چرا که سایر کتاب‌های آسمانی دچار تحریف گشته و کتاب غیر آسمانی نیز محتوای شان، بشری و قابل نقد است. مهم‌ترین دلیل برای حجیت قرآن کریم، ادعای هم‌اوردطلبی این کتاب آسمانی است: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/ ۲۳)؛ «و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده ایم شک و تردید دارید، دست کم یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر از خدا - برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید»، به عبارت ساده‌تر در «روان‌شناسی قرآنی»، اطلاعات و داده‌ها، قطعی الصدور هستند و اگر دلالت آنها مورد وفاق مفسران باشد، اعتبار معرفتی شناختی قطعی دارند؛ اما یافته‌های روان‌شناسی معاصر، بر تجربه و آزمایش استوار است؛ احتمال خطا و اشتباه در آن زیاد دارد (قلی‌زاده، کلیات روان‌شناسی، ۱۳۷۱: ۶۳).

#### مبنای دوم - یافته‌های مسلم روان‌شناسان، معتبر است

مقصود از «یافته‌های مسلم»، نظریه یا آموزه یا مفهومی است که اولاً: با آموزه‌های قرآن کریم منافات نداشته؛ ثانیاً: مورد قبول اکثر روان‌شناسان قرار گیرد. چنین دیدگاهی برای مسلمانان نیز قابل پیروی است؛ پیروی مسلمانان از قرآن کریم به آن معنا نیست که سایر منابع بی اعتبار است.

همین که با قرآن مخالفت ندارد، معنایش این است که ذیل عمومات و اطلاعات قرآن کریم جای می‌گیرد و قابل استفاده است. بنابراین اشکالی ندارد که مسلمانان از یافته‌ای مسلم روان‌شناسان پیروی کنند، هر چند آن روان‌شناس غیر مسلمان باشد. «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۷)؛ «پیامبر اکرم فرمودند: دانش را یاد بگیرید هر چند آن دانش در کشور چین باشد چرا که آموختن دانش برای هر مرد و زن مسلمانی واجب است». هم‌چنین خود قرآن کریم به پیروانش دستور می‌دهد که در مسائلی که نمی‌دانید به متخصصان آن موضوع رجوع کنید. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳)؛ «و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم! اگر نمی‌دانید، از آگاهان پرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است)»!

#### مبنای سوم- روان‌شناسی قرآنی به جای «اهداف دنیایی» به اهداف «دنیایی-آخرتی» توجه می‌کند

پس از اتمام حاکمیت ستم‌گرانه کلیسا در قرون وسطی، غربی‌ها در خلال عصر رنسانس ارتباط خود با دین و جهان آخرت را کم‌رنگ کرده و علوم خویش را بر اساس رفاه دنیوی پایه‌ریزی کردند؛ به عبارتی می‌توان گفت که جهان غرب «دنیا محور» شد. علم روان‌شناسی نیز که مولود عصر رنسانس است از این قاعده مستثنی نیست و پایه‌های اندیشه‌اش را بر محوریت منحصرانه رفاه دنیوی بنا کرد (سالاری‌فر، آشنایی با روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۲۰). در سوی مقابل، در جهان اسلام، داستان دیگری در جریان بود. در مکتب قرآن کریم، تأکید بر محوریت خداست. بنابراین دستورات الهی مبنای ارزش و عدم ارزش است. مفاهیم قرآن کریم مسلمانان را به توجه به اهداف دنیایی و آخرتی در کنار هم می‌کند و همان‌گونه که انسان‌ها را از انحصار در دنیا بر حذر می‌دارد، آنان را از انحصار در آخرت نیز پرهیز می‌دهد، به عبارت دیگر انحصار در آخرت ممکن نیست، چون از دیدگاه اسلام، «دنیا، مزرعه آخرت است». قرآن می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۷۷)؛ «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جست‌وجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد».

## قواعد روان‌شناسی قرآنی

مقصود از قواعد، همان «بایدها و نبایدهای» هر علم است. عبارت «روان‌شناسی قرآنی» برای احتراز از «روان‌شناسی معاصر» است. در اصطلاح نکات روان‌شناسی قرآن کریم نیز، بایدها و نبایدهایی وجود دارد که به شرح ذیل است. در این نوشتار برای برخی از قواعد، یک یا چند آیه از قرآن کریم به عنوان گواه آمده است که باید به روش «جری و تطبیق»، فقط قانون کلی ارائه شده در آیه را مورد نظر قرار داد و با الغای خصوصیت از قانون ارائه شده در آیه، از محدودیت آیه به موضوع مورد بحث در آیه پرهیز نمود. اگر ایده‌ای از دل قاعده‌هایی که در ذیل از آنها یاد می‌شود، بیرون آمده باشد، می‌توان آن را قانون روان‌شناسی قرآنی نامید.

### قاعده یکم - گزینش آیات مرتبط با ذهن

پیشتر بیان شد که بنیان‌گذاران دانش روان‌شناسی معاصر، مقصودشان از «روان» با آن چه مسلمانان از «روان» تعبیر می‌کنند فرق دارد. مقصود روان‌شناسی معاصر از «روان»، صرفاً ذهن است در حالی در جهان اسلام «روان» را کارکرد نازلی از روح می‌دانند که مفهومی اعم از ذهن به حساب می‌آید (ویس کرمی، بررسی تطبیق آرامش روانی در قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۹۵: ۶۲). از آنجایی که ما در صدد یافتن وضعیت تعامل قرآن و روان‌شناسی هستیم، ناچاریم قرآن را با توجه به تعریف «روان‌شناسی معاصر» بررسی کنیم. بنابراین به بررسی آیات مرتبط به ذهن پرداخته و از آیات مرتبط با روح صرف نظر می‌کنیم.

### قاعده دوم - یافته‌های غیر مسلم روان‌شناسان، اعتبار ندارد

برای آن که یک اندیشه به شکل قانون علمی درآید، لازم است تا سه مرحله را به ترتیب بگذرانند. این مراحل عبارتند از:

۱. فرضیه (مرحله خطور یک ایده به ذهن بدون ارائه هیچ دلیلی)؛ ۲. نظریه (مرحله آزمودن آن ایده در یک بازه محدود)؛ ۳. قانون (مرحله آزمودن آن ایده در یک بازه گسترده).
- دیدگاه‌هایی که هر سه مرحله فوق را گذرانده و در نهایت، مورد پذیرش اکثر اندیشمندان قرار می‌گیرند، به عنوان علوم قطعی و یافته‌های مسلم تلقی می‌شوند مانند، فرضیه گرد بودن زمین در حوزه کیهان‌شناسی. این ایده ابتدا یک فرضیه بود اما با پیشرفت دانش و تکنولوژی و

سفر انسان به فضا، این ایده مورد قبول اکثر دانشمندان قرار گرفت و یک قانون گشت. در حوزه روان‌شناسی نیز تنها دیدگاه‌هایی حجیت دارند که قطعی باشند. بنابراین فرضیه‌ها و نظریه‌های روان‌شناسی تا زمانی که تبدیل به قانون نشده باشند نمی‌توانند حجیت داشته باشند. شاهد قرآنی این دیدگاه در قرآن کریم آیات ذیل است: خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (یونس / ۳۶)؛ «و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی‌اساس)، پیروی نمی‌کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حَقّ بی‌نیاز نمی‌سازد (و به حق نمی‌رساند)! به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است!»؛ در آیه‌ای دیگر آمده است که: «آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی‌پایه پیروی می‌کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حَقّ بی‌نیاز نمی‌کند!».

**قاعده سوم - اگر بین «دیدگاه قرآن» با «دیدگاه روان‌شناسان» تعارض دیده شد، به قواعد «تعارض و تراجیح» مراجعه می‌کنیم**

گاهی ممکن است در یک موضوعی، به حسب ظاهر نظر قرآن کریم با نظر اندیشمندان روان‌شناسی تعارض داشته باشد، فرض ما بر این است که آن نظر دانشمند روان‌شناس قطعی است و نه ظنی. راه کار ابتدایی در این شرایط آن است که از قواعد تعادل و تراجیح، بین دو دیدگاه استفاده شود؛ قواعد تعال و تراجیح که در روش اجتهاد فقهی به کار گرفته شده و به عنوان یک روش بسیار قوی شناخته شده است، در حل تعارض در موضوعات بین‌رشته‌ای که با روش‌های ترکیبی انجام می‌شوند، کارایی خود را دارد؛ به عبارت دیگر اینجا هم یک میدان اجتهاد است و قواعد کلان اجتهاد، جریان دارد؛ بنابر این در یک تعارض ظاهری، لازم می‌شود که با نگاه معرفت‌شناختی دقیق و نگاه روش‌شناختی معتبر، بازگشت به گذشته کرده و مراحل قبلی را دو باره بازخوانی کنیم؛ به عنوان مثال، ادله معرفت‌شناختی ما اقتضا می‌کند که اگر استفاده از قرآن که سندش قطعی است، به لحاظ دلالت نیز قطعی باشد و در روش تفسیری مان نیز مسیر را درست و دقیق طی کرده باشیم و مورد اختلاف مفسران نباشد، آنگاه باید طرف دیگر را بازخوانی کرده و اعتبار معرفت‌شناختی و روش‌شناختی‌اش را بازبینی کنیم؛ از آنجا که «عالم تکوین» فعل خداوند و «قرآن» نیز قول خداوند متعال است، می‌دانیم که بین این دو تعارض واقعی وجود ندارد، بنابر این، با تأمل‌ها و بازخوانی‌های متعدد به یکسانی مورد نظر

خواهیم رسید. در این بازخوانی‌ها است که ابعاد اخلاقی، عاطفی، هواهای نفسانی، و سوسه‌های شیطانی و... نیز مورد بازبینی‌های دقیق قرار می‌گیرد. ﴿هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِبْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (آل عمران/۶۶)؛ «شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید؛ چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می‌کنید؟!»، ﴿... وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۲۳۲)؛ «... و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید». و نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿... وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۲۱۶)؛ «... چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید».

### ضرورت پرداختن به این مباحث، از دیدگاه دینی

گاهی با معیار معرفت‌شناختی و یک نگاه معرفت‌شناختی بسیار عمیق، به این مسائل می‌پردازیم؛ در این صورت، این پژوهش‌ها، می‌تواند پژوهش‌های برون دینی، نیز تلقی شود و نتایج آن برای هر انسانی که دقت‌های معرفت‌شناختی لازم را دارد (اعم از مسلمان یا غیر مسلمان)، قابل استفاده خواهد بود؛ ولی گاهی نیز ممکن است با یک نگاه درونی دینی، به عنوان یک مبلغ دینی، یا یک متکلم اسلامی، یا فقیه اسلامی، به این مباحث می‌پردازیم، و به مخاطبان غیر مسلمان و مسلمان باور مند به قرآن نظر داریم تا آنها را به سوی قرآن جذب کنیم؛ این نوع پژوهش نیز دارای فواید و مزیت‌های خاص خود است که به بعضی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

### ضرورت یکم - ارائه دیدگاه قرآن در باب علم برای مسلمان و غیرمسلمانان

ارائه ابعاد علمی قرآن برای غیر مسلمانان به منظور جذب بیشتر آنان به سمت قرآن بسیار حائز اهمیت است. بیان دیدگاه‌های روان‌شناسانه قرآن یکی از ابزارهایی است که ما را در رسیدن به این هدف یاری می‌کند. باید توجه داشت که عدم ورود به این گونه مباحث جدید، موجب می‌شود که بعضی از مخالفان قرآن، وارد این مباحث شده و قرآن را آن گونه که خود دوست دارند برای دنیا معرفی کنند. به عنوان نمونه فلوگل آلمانی (۱۸۷۰) با تالیف معجم الفاظ قرآن با نام «نجوم آیات الفرقان» خود را استاد مسلمانان و غیرمسلمانان در این حوزه

معرفی کرد؛ ژول لایوم فرانسوی (۱۸۷۶) با تالیف معجم موضوعی آیات قرآن با نام «تفصیلی آیات القرآن الکریم» مسئول تعلیم آیات موضوعی قرآن برای مسلمانان گشت؛ گلدزیهر یهودی مجارستانی (۱۹۲۱) با تحقیق پیرامون روش‌های تفسیری مفسران قرآن کریم و تالیف کتاب «المذاهب التفسیریة للقرآن الکریم» دانش جدیدی را در علوم قرآن پایه‌گذاری نمود (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۹۲: ۲۶).

### ضرورت دوم - تقویت ایمان مسلمانان نسبت به قرآن

اگرچه مسلمانان، به قرآن کریم ایمان دارند، ولی ایمان یک حقیقت تشکیکی و پیوستاری است؛ ممکن است کسی ایمانش روی پله نهم از ده پله باشد، و بعضی دیگران روی پله اول باشند، در حالی که هر دو «مومن» هستند و تعبیر مومن بر آنها صدق می‌کند؛ واقعیت این است که تقویت ایمان مسلمانان موجب تعهد بیشتر آنان به انجام فرائض فردی و تبعیت از دستورات اجتماعی مکتب اسلام می‌شود. از طرفی هم زمان با گذر زمان، شبهات قرآنی نیز در حال پیشرفت و توسعه هستند. شبهات قرآنی می‌توانند غبار تردید را بر اذهان مسلمانان ریخته و آنان را دچار شک کند.

### ضرورت سوم - استفاده از گنج‌های علمی قرآن کریم

به کمک قرآن کریم نه تنها می‌توان موضوعات جدیدی در علم روان‌شناسی یافت، بلکه می‌توان مبانی، قواعد و حوزه‌های این علم را نیز گسترش داد. برخی از موضوعات روان‌شناسانه قرآن کریم می‌توانند به عنوان مفهومی تازه و نو برای مخاطبان قرآن کریم ارائه شوند و برخی دیگر به عنوان یک دیدگاه قطعی، فصل الخطاب مسائل چالشی گردند. مثلاً امروزه در برخی کشورهای غربی همجنس‌گرایی به عنوان یک هنجار اجتماعی تلقی شده است، در حالی که قرآن کریم به هیچ وجه برای این عمل مشروعیتی قائل نیست. ﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف/ ۸۰)؛ «و به خاطر آورید لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟!». شاید زمانی جامعه غرب متوجه این اشتباه بزرگ شود که در سرایشی افول قرار گرفته باشد، ولی در جوامع مسلمانان به دلیل تبعیت از گنجی به نام قرآن، احتمال بروز چنین آسیب‌هایی کمتر است.

### ضرورت چهارم - امکان عرضه فرضیه‌های روان‌شناسی بر قرآن برای بررسی اعتبار

روان‌شناسی نیز مانند سایر علوم دارای فرضیه، نظریه و قانون است. فرضیه پایین‌ترین درجه اعتبار یک ایده ذهنی است. ایده‌ای که هنوز در ترازوی تجربه قرار نگرفته باشد را فرضیه می‌گویند. فرضیه‌ها به طور طبیعی فاقد حجیت هستند چه برسد به آن که بخواهند در تعارض با یک دیدگاه قرآنی باشند، اما در صورتی که یک فرضیه موافق با یک دیدگاه قرآنی باشد، آن فرضیه نه تنها رد نمی‌شود بلکه در اندیشه اسلامی، حائز حجیت می‌گردد. این یک استفاده درستی است که روان‌شناسی معاصر می‌تواند از آموزه‌های قرآنی ببرد.

### آسیب‌های مطالعه روان‌شناختی قرآن

پژوهش‌های قرآنی - روان‌شناختی، همان‌گونه که می‌تواند ضرورت‌های فوق را برآورده سازد، ممکن است آسیب‌هایی را نیز در پی داشته باشد که باید از آن‌ها بر حذر بود.

### آسیب یکم - تحمیل نظریات علمی بر قرآن

در روش تحمیل، تحمیل‌کننده تلاش می‌کند تا آیه‌ای مطابق دیدگاه خودش را در قرآن کریم بیابد و در صورتی که چنین آیه‌ای را نیافت، دست به تاویل یا تفسیر به رای در مورد بخشی از قرآن کریم زده تا اثبات کند نظرش در قرآن کریم وجود دارد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۵)، ۱۳۹۲: ۲۱۳)؛ مانند آن که در آیه ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...﴾ (اعراف/ ۱۸۹) مقصود از نفس و زوج را پروتون و الکترون بدانند. کسی که در صدد یافتن آیات روان‌شناختی در قرآن کریم است باید مراقب باشد تا به چنین آسیبی دچار نشود.

### آسیب دوم - استخراج بدون دلیل همه علوم از قرآن

در روش استخراج که از آن به تطبیق نیز یاد می‌شود، فرد استخراج‌کننده تحت تاثیر برخی آیات قرآن مانند ﴿لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (انعام/ ۵۹) قرار گرفته با پیش فرض آنکه همه علوم در قرآن کریم است، قصد دارد تا تمام علوم را بدون ارائه دلیل معرفت‌شناختی

کافی، از قرآن کریم استخراج کند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۵)، ۱۳۹۲: ۲۱۲). مثلاً با آیه ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ (زلزله/ ۱) زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را به عنوان پیش بینی قرآن فرض می‌کنند. کسی که در زمینه قرآن و روان‌شناسی نیز پژوهش می‌کند باید به این آسیب توجه داشته باشد. درست است که قرآن کریم حاوی تمام هدایت‌های لازم برای بشر است اما باید توجه داشته باشیم که «تمام آنچه برای هدایت لازم است»، امری متفاوت است با این که گفته شود «همه علوم در قرآن آمده است»؛ البته در برخی فرازها با توجه به نیاز از علوم گوناگون تجربی و انسانی در قرآن استفاده شده است، ولی این به معنای این نیست که قرآن کریم حاوی تمام علوم تجربی و انسانی باشد.

#### آسیب سوم - بررسی غیر مجتهدانه آیات متشابه

آیات متشابه، آیاتی هستند که دارای چندین احتمال معنایی هستند و برای مخاطبان غیر معصوم شک و تردید ایجاد می‌کنند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۶/۳). فهم این آیات به گفته قرآن کریم تنها با راهنمایی خود خدا یا راسخون در علم ممکن است لذا ورود به این آیات برای یافتن معانی روان‌شناسی بدون راهنمایی خدا و راسخان در علم توصیه نمی‌شود. مفسر حق ندارد در تفسیر آیات روان‌شناسانه به آموزه‌های غیر قطعی دانش‌های بشری استناد کند.

#### نمونه‌های مطالب روان‌شناختی در قرآن

پس از بیان مباحث نظری پیرامون روان‌شناسی در قرآن، به چند نمونه از مصادیق دیدگاه‌های روان‌شناسانه قرآن اشاره می‌شود تا مباحث فوق روشن‌تر گردد.

#### نمونه یکم - ابعاد سه‌گانه ذهن

۲۰۷

از آنجایی که قرآن کریم از انسان‌ها می‌خواهد که با اختیار خودشان راه هدایت را برگزینند، از مفاهیم مرتبط با ذهن زیاد استفاده کرده است. با دقت نظر در این آیات چنین به دست می‌آید که ذهن انسان سه بُعد دارد که عبارتند از: حافظه، فکر و عقل. در قرآن کریم این سه تعبیر با سه واژه

خاص بیشتر به چشم می خورد. این سه واژه قرآنی عبارتند از: «نسیان» که ضد حافظه است و «تفکر» که به همان معنای فکر است و «تعقل» و «قلب» که به معنای همان عقل است. حافظه، وظیفه به خاطر سپردن اطلاعات و داده‌ها را دارد. فکر، وظیفه پردازش و حل گره‌ها و مشکلات را دارد. عقل وظیفه تصمیم‌گیری هدایت انسان به کار خیر و پرهیز انسان از کار شر را به عهده دارد. آیات متعددی در این سه حوزه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره‌ای می‌شود.

### آیات دال بر حافظه

خداوند در مورد حضرت موسی (علیه السلام) و همراهش می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حَوْتَهُمَا فَاَتَخَذَا سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا﴾ (کهف/ ۶۱)؛ «(ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد)». آنگاه همراه حضرت موسی (علیه السلام) می‌گوید: ﴿قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحَوْتَ وَمَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا﴾ (کهف/ ۶۳)؛ «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم - و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد - و ماهی به طرز شگفت‌آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!»؛ در آیه‌ای دیگر، شیطان را عامل بعضی از فراموشی‌های انسان می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْتَدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (انعام/ ۶۸)؛ «هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر مننشین!». خداوند به پیامبرش می‌فرماید: ﴿سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنسَى﴾ (اعلی/ ۶)؛ «ما به زودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد»؛ تحلیل: ماده «ن س ی» در آیات فوق نه اشاره به غلبه بر نفس اماره وجود دارد و نه اشاره به تفکر خلاق ذهنی بلکه اشاره به عنصر حافظه و یادسپاری ذهن دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ابعاد ذهن انسان حافظه است.

## آیات دال بر فکر

خداوند انسان‌ها در همه حالات، به تفکر دعوت می‌کند ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران/ ۱۹۱)؛ «همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند): بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!» در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيِنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (یونس/ ۲۴)؛ «مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم؛ که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین - که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند - می‌روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد؛ (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم)؛ و آن چنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشت‌زاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم!»؛

ماده «ف ک ر» در آیات فوق نه دال بر حافظه و به خاطر سپردن است و نه دال بر مبارزه با هوای نفس و نفس اماره بلکه از انسان می‌خواهد که به تحلیل، پردازش و بررسی پدیده‌های جهان بپردازد تا در خلال آن به آفریننده آن که خداست رسیده و در نتیجه به خدا ایمان بیاورد. طبیعی است که کسانی که فکر بیشتری داشته باشند می‌توانند این تحلیل ذهنی را بهتر انجام دهند. روان‌شناسان غربی نیز ضمن تایید بعد فکری ذهن، نظرات گوناگونی برای آن ارائه نموده‌اند (آلن، روان‌شناسی مثبت، ۱۳۸۵: ۲۹۷).

## آیات دال بر عقل

خداوند از قول پیامبران در آیات متعدد یاد آوری می‌کند که آنها از قوم خودشان اجر رسالت نخواسته‌اند، از جمله در این آیه شریفه می‌فرماید: ﴿يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (هود/ ۵۱)؛ «ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی‌طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا تعقل نمی‌کنید؟!»؛ در آیات دیگری به صورت مکرر انسان‌ها را دعوت می‌کند به این‌که در زمین سیر

کنند و به واسطه تعقل کردن در مورد گذشتگان، عبرت بگیرند؛ مثلاً در این آیه شریفه می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف/ ۱۰۹)؛ «و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادی‌ها که به آنها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفتان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا تعقل نمی‌کنید؟!».

آیات فوق که به شکل استفهام توییحی است، بعد از آن است که از مخاطب خود می‌خواهد بر نفس اماره خود غلبه کند و تقوا پیشه کرده و راه هدایت را برگزیند. روشن است که عبارات «افلا تعقلون» نه اشاره به حافظه دارد و نه اشاره به فکر و خلاقیت؛ بلکه اشاره می‌کند به یک بعد ذهنی که وظیفه شایستگی شخصیتی و غلبه بر نفس اماره را بر عهده دارد؛ انسانی که دارای عقل است، در جامعه مورد پذیرش بیشتری است و راهنمایی‌های وی در جامعه مورد اقبال قرار می‌گیرد. نام این بعد ذهن را همان گونه که قرآن می‌گوید «عقل» می‌نامیم. این مفهوم در ادبیات روان‌شناسی غرب که با عنوان خرد از آن یاد می‌شود نیز وجود دارد (آلن، روان‌شناسی مثبت، ۱۳۸۵: ۳۰۰). وجود مصادیق متفاوت از انسان‌های گوناگون در اطراف ما، می‌تواند دلیل دیگری بر وجود این سه بُعد ذهنی باشد.

انسانی که با فکر است، لزوماً انسان خوش حافظه‌ای نیست؛ عکس این نیز صادق است، یعنی اگر فردی خوش حافظه باشد الزاماً یک فرد با فکر است. این عدم تلازم در عاقل بودن نیز صادق است. گفته شد که مقصود از «عقل» قدرت تصمیم‌گیری صحیح در امور خیر و شر است. معمولاً انسان‌ها هر قدر سال‌خورده‌تر می‌شوند این بُعد از ذهنشان قوی‌تر می‌شود. به طور خلاصه باید گفت سه بعد ذهن که عبارتند از «حافظه»، «فکر» و «عقل»، نسبت به یکدیگر می‌توانند متفاوت عمل کنند. از ضرب دو حالت حافظه در دو حالت هوش در دو حالت عقل، هشت احتمال به دست می‌آید که بیانگر هشت وضعیت ذهنی برای انسان‌ها می‌باشد: و این هشت وضعیت، نمونه‌های بیرونی نیز داشته است و دارد؛ برای ما این امکان وجود دارد که نمونه‌های بیرونی‌اش را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم: ۱. خوش حافظه/باهوش/عاقل (بهترین وضعیت)؛ ۲. خوش حافظه/بافکر/جاهل؛ ۳. خوش حافظه/کم فکر/عاقل؛ ۴. خوش حافظه/کم فکر/جاهل؛ ۵. کم حافظه/بافکر/عاقل؛ ۶. کم حافظه/بافکر/جاهل؛ ۷. کم حافظه/کم فکر/عاقل؛ ۸. کم حافظه/کم فکر/جاهل (بدترین وضعیت).

### نمونه دوم - اگر به نتیجه کار توجه کنیم، صبر و بردباری ما افزایش می‌یابد

خداوند به مومنین می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/ ۴۵-۴۶)؛ «از صبر و نماز یاری جوید؛ (و با استقامت و مهار هوس‌های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای خاشعان، گران است \* آنها کسانی هستند که می‌دانند دیدارکننده پروردگار خویشند، و به سوی او باز می‌گردند»؛ خدای متعال بیان می‌دارد که درست است که انجام نماز و روزه سخت و دشوار است، اما اگر کسی خاشع باشد، دیگر احساس سختی نمی‌کند. آنگاه بیان می‌فرماید که خاشعان کسانی هستند که به ملاقات با پروردگار و روز جزا ایمان دارند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱/۱۵۳). به عبارت ساده‌تر کسانی که ایمان به پاداش نماز و روزه دارند در انجام نماز و روزه احساس سختی و دشواری نمی‌کنند. یقین به پاداش یک عمل، می‌تواند موجب کاهش احساس خستگی در فرایند رسیدن به آن هدف گردد. هم‌چنان که تشنه‌ای در بیابان که توان راه رفتن ندارد اگر متوجه مکانی شود که یقین به وجود آب در آن است، شود می‌تواند بر خستگی خود فائق آمده و به سوی آن مکان حرکت کند. نتیجه این می‌شود که برای افزایش توان صبر و بردباری انسان‌ها می‌شود از شیوه یقین به مقصود که در این آیه ارائه شده است استفاده نمود.

### نمونه سوم - تأثیر ذکر خدا در آرامش دل

خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/ ۲۸)؛ «آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!»؛ از جمله مهم‌ترین چالش‌های انسان‌های عصر مدرنیته، به هم ریختن آرامش و افزایش استرس و نگرانی است. قرآن کریم برای این درد، درمانی موثر را پیشنهاد می‌کند و آن یاد خداست. تجربه نشان می‌دهد که در جوامعی که مردمش به مفهوم خدا بیشتر اعتقاد دارند کمتر از بیماری‌های اعصاب و روان رنج می‌برند. طبق آمار رسمی ایران، نرخ جرم و جنایت در ایام ماه مبارک رمضان به شکل چشم‌گیری کاهش می‌یابد.

### نمونه چهارم - تأثیر تکبر در تضییع حقوق دیگران

قرآن به پیامبرش می‌فرماید «(و یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۳۴)؛ «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد»؛ این آیه شریفه به ماجرای تکبر شیطان اشاره می‌کند که در نهایت، منجر به

تضییع حق حضرت آدم (علیه السلام) گشت چرا که شیطان وظیفه داشت بر آدم سجده کند. می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای کاهش میزان جرم در جامعه باید بر مفاهیم مرتبط با تواضع تأکید نمود.

### نتیجه

بررسی روان‌شناسی قرآن در دو سطح متفاوت قابل طرح است: یک سطح این است که نگاه پارادایمیک و فرانظریه‌ای داشته باشیم و «روان‌شناسی قرآن» را یک زیر سیستم از «سیستم جامع مفهومی اسلام» تلقی کنیم؛ این سطح ما را در نهایت به «روان‌شناسی قرآنی» به عنوان یک مکتب روان‌شناختی قرآنی منتهی می‌کند؛ سطح دوم از مطالعه «روان‌شناسی قرآنی» این است که بعضی از مفاهیم روان‌شناختی را از آیات شریفه قرآن استخراج کرده و به تبیین و بررسی آنها بپردازیم و به روان‌شناسی معاصر ارائه کنیم؛ این اقدام را نمی‌توان «قدم آخر» در روان‌شناسی قرآنی تلقی کرد، بلکه می‌شود آن را به عنوان مقدمه و پیش‌نیاز «روان‌شناسی قرآنی» به عنوان یک مکتب» تلقی کرد؛ این نوشتار، جایگاه خودش را در این سطح تعریف کرد؛ در این پژوهش، ضرورت‌های چنین اقدامی معلوم شد؛ به بعضی از آسیب‌های احتمالی آن اشاره شد؛ و در انتها، نمونه‌هایی از استفاده‌های روان‌شناختی از آیات شریفه توضیح داده شد. در این سطح نیز، مسلمانان در مسئله‌گزینی و بررسی «رفتارها و تجلیات روانی انسان»، به روش تجربی صرف اکتفا نمی‌کنند؛ آنان وقتی صحبت از روان می‌شود، آن را ناظر به بُعد ذهنی انسان دانسته و آن را بخشی از «روان‌شناسی قرآنی» تلقی می‌کنند؛ در حالی که روان‌شناسان معاصر، فقط به بعضی از اقتضانات روح دسترسی دارند که آن را به نام «روان» می‌شناسند و به بررسی آن می‌پردازند؛ هم‌چنین در این سطح، هدف مسلمانان از پرداختن به روان‌شناسی سعادت دنیوی و اخروی است، در حالی که هدف روان‌شناسان معاصر فقط سعادت دنیوی است. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت مفهوم روان‌شناسی نزد مسلمانان عام و نزد غربیان خاص است و نسبت بین روان‌شناسی در اسلام و غرب، عموم و خصوص مطلق است. یکی از راه‌های اثبات عظمت قرآن کریم برای جهان غرب، معلوم ساختن موضع قرآن کریم راجع به موضوعات علمی، از جمله روان‌شناسی است. از آنجایی که اهداف کاربردی غربیان از روان‌شناسی، خاص‌تر از اهداف کاربردی مسلمانان از روان‌شناسی است، می‌توان آن دسته از آیات قرآن کریم که مطابق با تعریف و اهداف روان‌شناسی معاصر است را برای آنان ارائه نمود. یعنی آیاتی که فقط به حوزه رفتار اشاره می‌کنند و نه آیات مرتبط با روح؛ هم‌چنین آیاتی که فقط به سعادت دنیوی اشاره می‌کنند و نه آیات مرتبط به سعادت دنیوی - اخروی.

## منابع

۱. انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۳ش.
۲. آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ بزرگ یک جلدی پیشرو آریان پور انگلیسی - فارسی، تهران: جهان رایانه، ۱۳۸۸ش.
۳. آلن، کار، روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان، تهران: سخن، ۱۳۸۵ش.
۴. جعفرزاده، علی اکبر، فرهنگ پایه کاربردی آکسفورد، تهران: جهان رایانه، ۱۳۸۸ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۶. حقانی زنجانی، حسین، روان‌شناسی اسلامی / ۶ موضوع علم روان‌شناسی: تجربه به واسطه یا بی واسطه، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۹، شماره ۱، ۱۳۷۸ش.
۷. حییم، سلیمان، فرهنگ انگلیسی - فارسی حییم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰ش.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۵) قرآن و علوم طبیعی و انسانی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۱۰. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۲ش.
۱۱. سالاری فر، محمدرضا، آشنایی با روان‌شناسی، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۵ش.
۱۲. شالچیان، طاهره، آشنایی با اصول روان‌شناسی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۰ش.
۱۳. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی عمومی انسان، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰ش.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۱۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۱۶. غزالی، ابو حامد، جواهر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۱۷. قلی زاده، فرض الله، کلیات روان‌شناسی، تبریز: احرار (آزادگان تبریز)، ۱۳۷۱ش.
۱۸. کاویانی، محمد، روان‌شناسی در قرآن، مفاهیم و آموزه‌ها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.
۱۹. کاویانی، محمد، روان‌شناسی در قرآن، بنیان‌ها و کاربردها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ش.
۲۰. گنجی، حمزه، روان‌شناسی عمومی، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰ش.
۲۱. لاندین، رابرت ویلیام، نظریه‌های روان‌شناسی (تاریخ و مکتب‌های روان‌شناسی)، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش، ۱۳۷۸ش.
۲۲. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸ش.
۲۴. ویس کرمی، مهرداد، بررسی تطبیقی آرامش روانی در قرآن و روان‌شناسی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵ش.